

# قاعده تعلیق و تخفیف مجازات در دادگاه تجدید نظر استان

فرخ هدائی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی اندیشک  
وکیل دعاوی و مشاور حقوقی

## مقدمه

پس از طرح پرونده کیفری در دادگاه و انجام رسیدگی‌های متقاضی با وضعیت ارتکاب جرم و احراز بزهکاری متهم و مسئولیت کیفری وی، دادگاه اقدام به صدور حکم محکومیت می‌نماید. معمولاً در چنین موقعیتی قاضی در تعیین میزان مسئولیت با مسائل و جهاتی مثل تخفیف و تعلیق مجازات که دارای قواعدی می‌باشند، روبروست چون افراد انسانی دارای شخصیت‌های متفاوت و گوناگونی هستند، برخی سخی و بردبار و برخی عصبی و ترشرو، قرار دادن انسان‌ها در یک قاب و توقع داشتن همگونی در آنها در رفتارهای شخصی و اجتماعی نه با واقعیت منطبق است و نه با عدالت سازگار. دقت در جرایم مختلف و شخصیت‌های متفاوت بزهکاران نیز نه توقع همگونی آنها را منطقی می‌شناسد و نه لزوم واکنش یکسان با ایشان را واقعی می‌داند. بدین لحاظ قانون که تبلور توقعات اجتماعی است علی‌الاصول صرفنظر از توسل به اصل تساوی مجازات‌ها، نسبت به افراد در تحمل کیفر تفاوت قائل می‌شود. عدالت نیز ایجاب می‌کند که قاضی به هنگام صدور حکم محکومیت و مجازات علاوه بر جرم ارتكابی و نحوه انجام آن به شخص مجرم و شرایط خاص او چون سن، جنسیت، موقعیت خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و ویژگی‌های روانی و ساختارهای وراثتی او توجه کند همچنان که به خسارات وارد مجنی علیه جرم و جامعه با دقت کافی برخورد نماید و با غور در این موارد و توجه به قانون و رعایت قاعده تناسب بین جرم و مجازات به صدور حکمی عادلانه مبادرت ورزد که مورد پذیرش وجدان قاضی و زیان دیدگان از جرم، جامعه و حتی شخص بزهکار قرار گیرد. وجود بنیادهایی چون کیفیات مخففه می‌تواند به عنوان ابزاری دقیق و کار ساز جهت صدور احکام عادلانه باشد که عدالت اقتصادی آن دارد. از طرفی استفاده صحیح و منطقی از قرار تعلیق چه بسا بهتر و آسان‌تر مشکل جرم را که فعلاً از معضلات مهم جامعه ماست حل کند و یا گرفتاری تکرار جرم را محدود نماید. چون به نظر می‌رسد دادگاهها با آن بسیار نامهربان برخورد می‌کنند و به خصوص در برخی از زمینه‌ها که امکان اجرای این بنیاد از هر حیث فراهم است علاقه ای به اعمال آن نشان نمی‌دهند.

در این تحقیق ما به ترتیب سابقه تاریخی تخفیف و تعلیق مجازات را بررسی کرده ایم در فصل دوم به تعریف سبب‌های تخفیف و تعلیق پرداخته که خودش به دو قسمت انواع سبب‌های تخفیف و تعلیق و شروط ماهیتی و آثار تعلیق قسیم می‌شود. در فصل پایانی اختیار دادگاه تجدید نظر را راجع به تعلیق و تخفیف مورد بررسی قرار داده ایم.

## فصل اول

### سابقه تاریخی تخفیف

در ایران باستان، بیگانه بودن، حسن سابقه و نحوه عملکرد متهم در کاهش میزان مجازات وی موثر بوده است. بعنوان مثال می توان گفت که مجرمان بیگانه معاف از غل و زنجیر بودند اما در دینکرد<sup>۱</sup> اشاراتی هست که تحریکات اخلاقی، مادی و مذهبی می توانسته از قراین کیفیات مخففه باشد. در دین باستان ایرانیان چنین آمده است: «کسی از پارسها حق ندارد تنها به موجب یک جرم کسی را به گونه ای مجازات کند که جبران ناپذیر باشد، به هنگام کیفر و مجازات لازم است دقت در اعمال نیک و بد مقصر به عمل آید.» همچنین آشکار کردن هم‌دستان مجرم (چون شرکا و معاونان جرم) موجب تخفیف مجازات بوده است.<sup>۲</sup>

بطور کلی در ایران باستان شخص شاه دارای اختیارات مطلق بوده است، بدین ترتیب او می توانسته در مجازات یا تخفیف آن تصمیم گیری کند و یا اینکه اختیارات خود را به قضاوت شاهی تعویض نماید.

داریوش در کتیبه نقش رستم می گوید: «چون اهورامزدا دید کار زمین مختل است آنرا به من سپرد و من آن را به ترتیب صحیح در آوردم»<sup>۳</sup>

دیوان عالی کشور که بر تمام قضاوت حکومت داشت همان شاه بود، زیرا او در درجه نهایی رسیدگی می کرد، حکم می داد و آن حکم فوراً اجرا می شد. مجازات‌های صادره بسیار سخت بودند، ولی اگر کسی در بار اول مرتکب جنایتی می شد حکم اعدام صادر نمی گردید. این مسئله دلالت دارد بر اینکه تخفیف مجازات به علت ارتکاب جرم برای بار اول رعایت می شده است، حتی خود شاه هم در مرحله اول حکم اعدام نمی داد.

در ایران باستان، این اعتقاد وجود داشت که اگر کسی مرتکب کار بدی می شد، در مقابل تقصیر او کارهای خوبش را باید در نظر گرفت، اگر کارهای بد آن شخص بر کارهای خوب وی برتری داشت مجازات می شد. بنابراین داریوش اول درباره یک قاضی که محکوم به اعدام شده بود حکم کرد او را از صلیب به زیر آرنج و گفت این قاضی خدماتی هم کرده است.

از مجموع مواد ۴۴ و ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ می توان کاربردهای ویژه تخفیف را به شرح ذیل احصا نمود:

- ۱- تبدیل مجازات
  - ۲- تقلیل به کمتر از حداقل
  - ۳- تقلیل به کمتر از حداکثر و ممنوعیت تقلیل از حداکثر
  - ۴- تقلیل حداکثر به میزان یک ربع جزای اصلی
- نکات مهمی که در این قانون قابل ذکر است عبارتند از:
- سلب اختیار از قاضی در خصوص میزان تخفیف و تلقی حداکثر مجازات به عنوان تشدید.

در ماده ۴۵ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ مقرر بود: در مورد جنحه و جنایت دادگاه در صورت احراز کیفیات مخففه می تواند مجازات را کمتر از میزانی که به موجب قانون باید حکم دهد

۱- دینکرد یا دینتکرت مجموعه ای است از اطلاعات مربوط به اصول و قواعد و آداب و رسوم و روایات و تاریخ و ادبیات زرتشتی به زبان پهلوی تالیف آذر فرنبغ

۲- واحدی نوایی آوا - نظام جزایی ایران در عهد ساسانیان - نشر میزان ص ۹۶ سال ۸۰

۳- پیرینا، حسن - ایران باستان کتاب ششم ص ۱۴۹۱

به شرح ماده ۴۶ معین می کند. همچنین ماده ۴۶ مقرر می داشت: دادگاه می تواند در صورت وجود کیفیات مخففه، مجازات‌های جنحه و جنایت را به طریق زیر تخفیف دهد:

- ۱- اعدام به حبس دائم یا حبس جنایی درجه ۱
- ۲- حبس دائم به حبس جنایی درجه ۱ یا درجه ۲
- ۳- حبس جنحه ای تا حداقل حبس مزبور یا تا حداقل جزای نقدی

در این قانون نیز واژه تخفیف دارای کاربردهای متفاوتی بوده است:

- ۱- تعیین مجازات به کمتر از حداقل مقرر در قانون
- ۲- تبدیل مجازات به مجازات اخف
- ۳- تقلیل درجه و میزان مجازات
- ۴- تقلیل تا حداقل مجازات

در این قانون نیز میزان اختیار دادگاه کاملاً پیش بینی شده بود و قاضی مجاز به تقلیل به کمتر از میزانی که در مقام تخفیف تعیین کرده بود نبوده است.

بموجب ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱: «در مورد تغییرات دادگاه در صورت احراز کیفیات مخففه می تواند مجازات را تخفیف دهد» با وضع این ماده همه ضوابط مقرر در قانون مجازات عمومی نادیده گرفته شد و به احتمال قوی با استناد بر قاعده (بما یراه الحاکم) ضرورتی به تحدید اختیارات دادگاه در خصوص دامنه شمول و میزان تخفیف احساس نشده بود.

بنابراین در این قانون و در خصوص تغییرات، ظاهراً تنها قید لازم برای اعمال تخفیف، فقط احراز کیفیات مخففه بوده و محدودیتی در تقلیل یا تبدیل مطرح نبوده است. به‌رحال با وضع قانون مجازات اسلامی در سال ۷۰ و نسخ ضمنی قانون فوق، ضرورتی به بررسی بیشتر این مقرر نیست.<sup>۴</sup>

تعلیق مجازات ابتدا در مواد ۴۷ تا ۵۰ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ پیش بینی شد. در سال ۱۳۰۷ بموجب اصلاحیه ای، موارد مشمول تعلیق محدود شد. قانون تعلیق اجرای مجازات در سال ۱۳۴۶ مشتمل بر ۱۷ ماده در این خصوص به تصویب رسید اما نظارت بر محکومان مشمول تعلیق مشخص نشده بود تا اینکه در سال ۱۳۶۱ آئین‌نامه ای در مورد زندان‌ها به تصویب شورای عالی قضایی رسید که به این مورد هم پرداخته بود. با تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی در سال ۱۳۶۱ ماده ۴۰ این قانون با ۱۱ تبصره به تعلیق مجازات اختصاص یافت. در سال ۱۳۷۰ مقررات تعلیق به صورت مفصل در مواد ۲۵ لغایت ۳۶ پیش بینی گردید. تعلیق اجرای مجازات در حال حاضر شبیه یک قرارداد قضایی شده است که یک طرف آن دادگاه و طرف دیگر مجرم است. به گونه ای که دادگاه ارفاق‌هایی را نسبت به طرف قرار داد اعمال می نماید و مجرم نیز متعهد می شود از تکرار جرم خودداری کرده و به شرایط دادگاه عمل نماید.<sup>۵</sup>

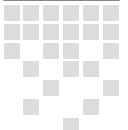
## فصل دوم

### تعریف سبب‌های تخفیف مجازات و تعلیق

سبب‌های تخفیف موجباتی است که هر گاه با اوضاع و احوال وقوع جرم قرین گردد، مجازات بزهدار تخفیف می یابد بدون آنکه

۴- نوربها - دکتر رضا / نگاهی به قانون مجازات اسلامی ص ۶ نشر میزان ۱۳۸۳

۵- زراعت، عباس / شرح قانون مجازات اسلامی (بخش کلیات) ص ۲۴۰ نشر ققنوس ۱۳۷۹



اصل مجازات متفی شود تعلیق اجرای مجازات عبارت است از متوقف ساختن مجازات کسی که به کیفرهای تعزیری یا بازدارنده محکوم شده است تا چنانچه در مدت معینی پس از آن مرتکب جرم دیگری نگردد و از دستوره‌های دادگاه در این مدت تبعیت کرده محکومیت او کان لم یکن تلقی می‌گردد.

### ۱- انواع سبب‌های تخفیف مجازات و قلمرو قانونی کیفیات مخفف

**الف) عذرهای تخفیف دهنده:** که به آنها عذرهای مخفف قانونی هم می‌گویند و بعضی از حقوق‌دانان به آنها موارد اجباری تخفیف مجازات هم گفته‌اند. از ویژگی‌های عذرهای تخفیف دهنده فقدان جنبه کلی و انحصار آن به جرایمی است که در قانون پیش بینی شده است. تخفیف مجازات از میزان تقصیر و مسئولیت بزه‌کار هیچگاه نمی‌کاهد بلکه این تخفیف پاداش مساعدت بزه‌کار در کشف جرم و یا جبران کوشش بزه‌کار در ترمیم آثار زیانبار و صدمات احتمالی ناشی از جرم است. گاه قانون‌گذار به لحاظ عواطف و احساسات مهرآمیز بزه‌کار در ارتکاب جرم او را معذور و مستحق تخفیف می‌شناسد. باید دانست اعمال تخفیف توسط دادگاه الزامی است و قانونگذار در راستای سیاست جنایی مورد نظر خویش در تعیین مجازات این امتیاز را به بزه‌کارانی که پس از ارتکاب جرم به دلایلی در مقام کاهش آثار مضر جرم و صدمات ناشی از آن برمی‌آیند و یا در کشف جرم و صدمات ناشی از آن برمی‌آیند و یا در کشف جرم و تعقیب دیگر مرتکبان و متهمان به انحنای مختلف و یا به روش‌های مورد نظر مقنن برمی‌آیند به رسمیت شناخته است.

از مصادیق آن می‌توان به عذرهای همکاری (۵۲۱ ق.م.ا) و عذر ترک جرم (تبصره ۲ ماده ۴۱) و عذر خانوادگی (تبصره ذیل ماده ۵۵۴ ق.م.ا) و عذر اعانت (تبصره ۲ ماده ۷۱۹ ق.م.ا) اشاره کرد. البته مواردی هم وجود دارند که پس از صدور حکم از دادگاه بدوی می‌توانند به عنوان عذر تخفیف دهنده مطرح شوند مثل ماده ۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ که هنوز از اعتبار قانونی برخوردار است.<sup>۶</sup>

لازم به ذکر می‌باشد در این موارد چنانچه دادگاه بدوی رسیدگی‌کننده به پرونده کیفری تخفیف مورد اشاره را در خصوص مرتکب لحاظ نکند، در صورت تجدید نظر خواهی، دادگاه تجدید نظر استان مکلف است ضمن رسیدگی ماهوی، حکم دادگاه بدوی را نقض و سپس راساً مبادرت به صدور حکم محکومیت مخفف بنماید مگر اینکه دادگاه بر وی در حکم خود به عذر تخفیف دهنده اشاره نموده باشد اما تخفیف لازم را اعمال نکند که در این مورد هم دادگاه تجدید نظر استان با استناد به ماده ۲۵۰ ق.آ.د.ک. بدون نقض حکم ریال اقدام به تأیید آن و تخفیف مناسب مجازات مقرر در دادنامه بر وی خواهد نمود.

**ب) کیفیات مخفف:** یا کیفیات قضایی یا موارد اختیاری تخفیف. این کیفیات اوضاع و احوالی هستند همانند عذرهای مخفف سبب کاهش مجازات می‌گردند با این تفاوت که هرگاه وجود آنها برای قاضی محرز گردید در اعطای تخفیف مختار است. حقوق‌دانان به این مورد علل مخفف قضایی می‌گویند از این حیث که هرگاه جماعت مورد نظر مقنن راجع به متمم مصداق پیدا کند قاضی جزایی با توجه به شرایط و اوضاع و احوال موجود و با در نظر

گرفتن شخصیت متهم، مجاز به تخفیف مجازات اصلی جرم مورد نظر می‌باشد.

دیوان عالی کشور در یکی از آرا خود مقرر داشته: «موجبات تخفیف کیفر منحصر به موارد منصوص در قانون نیست بلکه دادگاه ممکن است جهالت و نادانی و علت وقوع بزه و علل دیگری را در نظر خود موجب تخفیف کیفرز قرار دهد.»<sup>۷</sup>

(حکم شماره  $\frac{۱۸۲۸}{۱۳۱۷۷۱۱۲}$  دیوان عالی).

مهمترین فوایدی که برای کیفیات مخفف بر شمرده‌اند یکی منطبق کردن مجازات با شخصیت بزه‌کار و دیگری اجرای عدالت با عنایت به افکار عمومی است. سیاست فردی کردن مجازات بویژه در مواردی که کیفرهای ثابت مانند اعدام، تعیین میزان مناسب را دشوار می‌سازد ایجاب می‌کند که قاضی در اینگونه موارد ابزاری در اختیار داشته باشد تا به این مقصود برسد، این ابزار همان کیفیات مخفف است.

### قلمرو قانونی کیفیات مخفف

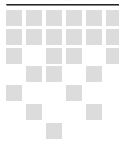
با اینکه دادگاه علی‌الاصول در اعطای تخفیف بموجب قانون مختار است اما تخفیف مجازات تابع یک سلسله ضوابطی است که در نهایت اختیار دادگاه را محدود می‌کند. یکی آنکه بموجب ماده ۲۲ ق.م.ا دادگاه فقط می‌تواند در صورت احراز جهات تخفیف مجازاتهای تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد لذا مجازاتهای حدود، قصاص و دیات از این تخفیف خارج هستند. همچنین طبق تبصره ۵ ماده ۲ قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ با اینکه مجازات آن تعزیری است اما قانون اعدام، حبس و مجازاتهای مالی را قابل تخفیف یا تقلیل نمی‌شناسد دوم اینکه در دادگاه رسیدگی به جرایم مطبوعات که با حضور هیئت منصفه تشکیل می‌شود تشخیص استحقاق تخفیف با هیئت مذکور می‌باشد که پس از اعلام ختم دادرسی به این باره تصمیم می‌گیرد و نظر خود را کتبا به دادگاه اعلام می‌نماید. سوم اینکه هر گاه دادگاه بموجب یکی از کیفیات مخفف مندرج در ماده ۲۲ ق.م.ا مجازات محکوم علیه را تخفیف داده باشد نمی‌تواند بموجب همان جهات که در موارد خاص مقرر شده دوباره او را تخفیف دهد.

قوانین جزایی ما وجود دارد که می‌توان به ماده ۷۲۷ ق.م.ا و ماده ۲۷۷ ق.آ.د.ک. اشاره کرد. در خصوص ماده ۲۷۷ ق.آ.د.ک. که به گذشته شاکمی یا مدعی خصوصی در جرایم غیر قابل گذشت پس از صدور حکم قطعی دادگاه اختصاص دارد، می‌توان گفت هرگاه گذشته مزبور پس از صدور حکم دادگاه بر وی در مواردی که رای دادگاه قانوناً قطعی و غیر قابل تجدید نظر است یا پس از انقضای مهلت تجدید نظر، حکم محکومیت قطعیت یافته است. صورت گیرد، دادگاه بر وی صادر کننده حکم باید در مورد تخفیف مجازات تصمیم بگیرد. اما چنانچه گذشته شاکمی یا مدعی خصوصی پس از رای دادگاه تجدید نظر انجام گیرد درخواست محکوم علیه، دادگاه تجدید نظر، مستند به ماده ۲۷۷ تصمیم مقتضی در مورد تخفیف مجازات خواهد گرفت. البته اعمال ماده ۲۷۷ قانون مذکور، لزوماً به معنی تخفیف از جانب دادگاه نیست چرا که لازمه تخفیف قضایی و مفهوم آن این است که قاضی در این زمینه مختار باشد و نظر قضایی او ملاک امر باشد. مضافاً به اینکه هنگام تخفیف باید حدود و ثغور آن هم رعایت شود. مثلاً اگر حکم بدوی محکوم علیه ۳ ماه

۷- امین پور - محمد - قانون کیفر همگانی

۶- اردبیلی، دکتر محمد علی - حقوق جزای عمومی جلد ۲ نشر میزان ص ۳۰۲، ۱۳۸۳





- ۲- محکومیت قطعی به قطع یا نقض عضو  
 ۳- محکومیت قطعی به مجازات حبس به بیش از یکسال در جرایم عمدی  
 ۴- محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ بیش از دو میلیون ریال  
 ۵- سابقه محکومیت قطعی دوبار یا بیشتر به علت جرمهای عمدی با هر میزان مجازات .

شرط دیگر برخورداری از تعلیق مجازات، استحقاق مجرم است. بر طبق بند (ب) ماده ۲۵، تعلیق مجازات هنگامی جایز است که: دادگاه با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را مناسب نداند.

قانون گذار یک دوره آزمایشی از ۲ تا ۵ سال که تعیین مدت آن با نظر به نوع جرم و حالات شخصی مجرم یا دادگاه است. برای محکوم علیه در نظر گرفته است. با صدور حکم تعلیق، اجرای مجازات معلق می ماند و مجرمی که اجرای حکم مجازات حبس او تماما معلق شده اگر بازداشت باشد به دستور دادگاه فوراً آزاد می گردد. قید تماما در ماده مذکور به این معنی است که اگر دادگاه به تعلیق اجرای قسمتی از مجازات حکم داده باشد. محکوم علیه ناگزیر است تا پایان مدت قسمت دیگر مجازات در حبس بماند .

تعلیق مجازات علی القاعده شامل مجازاتهای تميمی و تبعی نیز خواهد بود ولی تأثیری بر حقوق مدعیان خصوص و تادیبه ضرر و زیان ناشی از جرم نخواهد داشت .  
 باید دانست که تعلیق، اجرای حکم را معلق نماید.

$$\left(\frac{7/5258}{1367/82}\right)$$

ماده ۲۱۳ ق.ا.د.ک نیز مضمون ماده ۲۷ ق.م.ا. را بیان کرده است: چنانچه رای دادگاه مبنی بر برائت یا تعلیق مجازات بوده و متهم بازداشت باشد فوراً آزاد می شود مگر آنکه از جهات دیگری بازداشت باشد. همچنین قانون گذار بر طبق ۳۰ ق.م.ا. برخی از مجازاتها را غیرقابل تعلیق دانسته است.

## فصل سوم: اختیار دادگاه تجدید نظر در تخفیف یا تعلیق مجازات

### ۱- اختیار دادگاه تجدید نظر در تخفیف مجازات

در این رابطه متاسفانه ما فقط یک یا چند ماده قانونی داریم که آنهم به طور جزئی راجع به تخفیف مجازات در مرحله تجدید نظر بحثی کرده اند و این جزئی بودن خودش باعث اختلاف نظرهایی در بین حقوق دانان شده است .

تبصره ۲ ماده ۲۲ قانون احیا داسرا مصوب سال ۱۳۸۱ در این رابطه می گوید: «هر گاه دادگاه تجدید نظر پس از رسیدگی محکوم علیه را مستحق تخفیف مجازات بداند ضمن تایید حکم بدوی مستدلاً می تواند مجازات او را تخفیف دهد، هر چند که محکوم علیه تقاضای تجدید نظر نکرده باشد.»

در رابطه با تغییر این ماده و تبصره جناب دکتر زراعت معتقد است: «اگر دادگاه بدوی به صورت صحیح اصدار یافته باشد، دادگاه تجدید نظر حق ندارد برای تخفیف یا تعلیق مجازات، حکم را نقض کند، زیرا در اینجا فرض بر آن است که دادگاه بدوی با بررسی اوضاع و احوال حاکم بر جرم و شخصیت مجرم، تعلیق یا تخفیف مجازات را مناسب تشخیص نداده است.» ایشان در ادامه به نظریه های مشورتی اداره حقوقی استناد می کند بر طبق نظریه به شماره  $\frac{7/5810}{1368/11/2}$ : «در صورتی که حکم بدوی نقض شود دادگاه

و یکروز حبس باشد. هنگام تخفیف لازم است مطابق بند ۱ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۲۸ حبس به جزای نقدی تبدیل شود زیرا که حبس کمتر از ۹۱ روز قانوناً امکان پذیر نیست و از طرف دیگر تبدیل مجازات همواره متضمن نوعی تخفیف می باشد .

با توجه به مراتب فوق در کیفیات مخفف قضایی دادگاه بدوی از این اختیار و حق قانونی خویش، استفاده ننماید دادگاه تجدید نظر استان در صورت صحیح بودن حکم صادره چه با نقض حکم و چه بدون آن نمی تواند اقدام به تخفیف مجازات کند در حالیکه برخی شعب دادگاه تجدید نظر اینگونه عمل می نمایند. لازم به ذکر است که دادگاه اعم از شعب دادگاه بدوی یا تجدید نظر از اعمال تخفیف منع شده اند و مجاز به تعیین مجازات به کمتر از حداقل قانونی جرم نیستند. در چنین مواردی، اگر دادگاه بدوی بدون در نظر گرفتن موانع قانونی برای تخفیف مجازات، به استناد ماده ۲۲ ق.م.ا. مجازات اصلی متهمی را تخفیف دهد و پرونده قانوناً در دادگاه تجدید نظر طرح شود، این مرجع به استناد ماده ۲۵۸ ق.ا.د.ک باید حکم دادگاه بدوی را تصحیح و به حداقل میزان مجازات مقرر در قانون برای جرم ارتكابی بزهکار، تغییر دهد از طرف دیگر این دادگاه نمی تواند به بیشتر از حداقل مجازات قانونی برای محکوم علیه مجازات تعیین کند زیرا دادگاه تجدید نظر در چنین وضعیتی که حکم دادگاه بدوی ماهیتاً صحیح صادر شده است و تنها به منع قانونی تخفیف کیفر توجه نموده فقط باید رفع اشتباه کند. لذا آن مقدار از مجازات بزهکار را که به طور غیر قانونی از حداقل آن کمتر داده شده رفع نماید و به اصل کیفر جرم برگردد و الا تعیین مجازات به بیش از حداقل مجازات قانونی از جانب دادگاه تجدید نظر مشمول حکم صدر ماده ۲۵۸ ق.م.ا.ک که دلالت بر منع تشدید مجازات تعزیری در مرحله تجدید نظر در صورت صحیح بودن حکم محکومیت صادره از دادگاه بدوی دارد، خواهد شد .

به موجب تبصره ماده ۶۶ ق.م.ا. در تکرار جرم سرقت در صورتی که سارق ۳ فقره محکومیت قطعی به اتهام سرقت داشته باشد، دادگاه نمی تواند از جهات مخففه در تعیین مجازات استفاده کند. همچنین بموجب ماده ۷۱۹ (راجع به به فرار راننده از صحنه جرم) دادگاه نمی تواند در مورد اعمال کیفیات مخففه نماید. همچنین طبق تبصره ۲ ماده ۶ لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۵۹ و ماده ۱ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۵۳ و ضبط اموال در جرایم مواد مخدر و مصادره اموال حق تخفیف مجازات را به استناد ماده ۲۲ ندارد .

از طرفی به نظر می رسد که عنوان مجرمانه معاونت یک عنوان عاریه ای است، لذا همانگونه که مجازات معاون نیز به تبع آن قابل تخفیف است. و در صورتی که مجازات اعدام عنوان تعزیری یا بازدارنده داشته یا حد باشد تمسک به ماده ۲۲ ق.م.ا. فاقد وجاهت قانونی است .<sup>۸</sup>

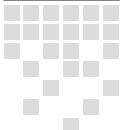
## ۲- شروط ماهیتی و آثار تعلیق مجازات

نخستین شرط استفاده از تعلیق مجازات، نداشتن سابقه محکومیت قطعی به اتهام یکی از جرایم مستلزم مجازاتهای مندرج در ذیل ماده ۲۵ به شرح ذیل است :

- ۱- محکومیت قطعی به حد

۸- شهری (غلام رضا) و محمد خزائی - مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه از سال ۶۳ تا ۸۰ انتشارات روزنامه رسمی





تجدید نظر می تواند برابر تشخیص و نظر خود حکم صادر نماید و مجازات دیگری غیر از مجازات قبلی تعیین و یا آنرا مورد تخفیف و یا معلق نماید اما چنانچه حکم بدوی فاقد اشکال قانونی باشد و نقض نشود مجوزی برای تغییر آنچه به نحو تخفیف و چه نحو تعلیق وجود ندارد.» و نظریه شماره  $\frac{۷/۶۳۱۸}{۶۸/۱۲/۱۷}$  :

«با توجه به تبصره ۲ ماده ۴۰ قانون راجع به مجازات اسلامی قرار تعلیق اجرای مجازات ضمن حکم محکومیت صادر می شود بنابر این در خصوص احکام غیر تعلیقی دادگاه تجدید نظر در صورتی می تواند اجرای مجازات را معلق نماید که حکم بدوی را فسخ و حکم جدید انشا کند و مجاز نیست ضمن تایید حکم بدوی اجرای مجازات را معلق نماید.»<sup>۹</sup>

جناب آقای دکتر اردبیلی نیز در کتاب خودشان معتقدند که: «مراجع تجدید نظر در صورتی که حکم بدوی نقض شود می توانند به تشخیص خود حکم مجدد صادر و مجازات دیگری غیر از مجازات قبلی تعیین کنند و یا آنرا تخفیف دهند و اطلاق دادگاه در ماده ۲۲ ق.م. به این معنی است که کلیه دادگاه‌های عمومی و اختصاصی و نیز شعب دادگاه بدوی و تجدیدنظر را شامل می شود.»<sup>۱۰</sup>

به هر تقدیر به دلایلی که گفته شد و اینکه رای وحدت رویه ای نیز در این زمینه وجود ندارد، به ناچار نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه و مجموعه نشستهای قضایی قضاوت سراسر کشور را بیان می کنیم .

حسب نظریه مشورتی شماره  $\frac{۷/۶۸۰۲}{۷۴/۱۱/۱}$  اداره حقوقی قوه قضائیه «در صورتی که حکم بدوی نقض شود دادگاه تجدید نظر می تواند برابر تشخیص و نظر خود حکم صادر و مجازات دیگری غیر از مجازات قبلی تعیین و یا آنرا طبق ماده ۲۲ ق.م.ا مورد تخفیف قرار دهد اما چنانچه حکم بدوی فاقد اشکال قانونی باشد و نقض یا نسخ نشود مجوزی برای تغییر آن ولو به طریق تخفیف وجود ندارد مگر اینکه جهت تخفیف بعد از صدور حکم بوجود آمده و یا احراز شده باشد نظریه مشورتی شماره  $\frac{۷/۷۹۰۱}{۷۴/۱۲/۹}$  اداره حقوقی قوه قضائیه هم همین نکته را مجدداً بیان نموده است نظریه مشورتی شماره  $\frac{۷/۶۸۰۲}{۷۴/۱۱/۱}$  نیز: «اگر جهات تخفیف از جمله اعلام رضایت شاکی بعد از صدور حکم بدوی حادث شود و پرونده به لحاظ تجدید نظر خواهی محکوم علیه در دادگاه تجدید نظر مطرح گردد، دادگاه مذکور به لحاظ موثر بودن گذشت شاکی می تواند مستنداً به بند ۱ ماده ۲۲ ق.م.ا مجازات معینه را در حدود مقررات به کمتر از حداقل تقلیل دهد نیازی به استناد ماده ۲۲ ق.م.ا ندارد ولی اگر به آن ماده استناد کند باید مجازات را از حداقل کمتر و یا تبدیل به نوعی کند که مساعد به حال متهم باشد» نظریه مشورتی شماره  $\frac{۷/۴۰۸۸}{۷۰/۱۷/۲}$  نیز: (در صورتی که حکم دادگاه بدوی نقص شود، دادگاه تجدید نظر می تواند برابر تشخیص و نظر خود حکم صادر نماید و مجازات دیگری غیر از مجازات قبلی تعیین و یا آن را مورد تخفیف قرار دهد و یا معلق نماید. اما چنانچه حکم بدوی فاقد اشکال باشد و نقضی نشود مجوزی برای تغییر آن، چه به نحو تخفیف، چه به نحو تعلیق وجود ندارد.) نظریه مشورتی  $\frac{۷/۱۴۴۰}{۷۵/۳/۲۴}$  مجدداً همین مورد را تکرار کرده است.

نهایتاً نظریه مشورتی شماره  $\frac{۷/۱۳۳۱}{۸۳/۲/۳۰}$  می گوید: (اگر دادگاه

۹-زراعت، دکتر عباس - اصول آئین دادرسی کیفری ص ۲۶۵ نشر مجمع فرهنگی مجد سال ۱۳۸۲

۱۰- اردبیلی، دکتر محمد علی، حقوق جزای عمومی جلد ۲ ص ۳۰۲ نشر میزان ۱۳۸۳

تجدید نظر بخواهد مجازات متهم را به کمتر از حداکثر تقلیل دهد نیازی به استناد به ماده ۲۲ ق.م.ا. ندارد ولی اگر به آن ماده استناد کند باید مجازات را از حداقل کمتر و یا تبدیل به نوعی مساعدتر به حال متهم باشد .

نشستهای قضایی استان تهران، آذربایجان غربی و کرمان نیز در این باره پاسخ هایی دارند که به آن اشاره می شود .

استان تهران در این رابطه ۲ نشست دارد که ابتدا در سال ۱۳۷۹ بیان داشته است:

«با عنایت به مفهوم ماده ۲۵۸ ق.آ.د. که دادگاه تجدید نظر منحصر از حیث تشدید مجازات تعزیری منع گردیده است نه اقدام دیگر و از آنجا که دادگاه تجدید نظر به عنوان دادگاه عالی برابر مصرات ق.آ.د.ک دارای کلیه اختیارات قانونی در رسیدگی ماهوی و نقض و تایید است لذا می تواند تخفیف هم بدهد.»

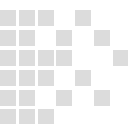
بعد از این نیز بیان داشته است: «مستفاد از ماده ۲۵۸ ق.م.آ.د. ک دادگاه تجدید نظر نمی تواند مجازات مرتب را تشدید نماید بلکه اجازه دارد که در جهت تخفیف مجازات مقرر در حکم بدوی گام بردارد. از این رو بدیهی است که هر گاه دادگاه بدوی با رعایت جهات مخففه جرم، به استناد ماده ۲۲ ق.م.ا مجازات جرم را کمتر از حداقل قانونی تعیین کرده باشد، دادگاه تجدید نظر نباید آن را تشدید کند اما مطابق ذیل ماده ۲۵۸ ق.م.آ.د. ک تنها حق اصلاح رای دادگاه بدوی را آنهم به دو شرط دارد:

۱- هرگاه دادگاه بدوی مجازات را از حداقل میزان مقرر قانونی، پایین تر تعیین کند.

۲- رای دادگاه بدوی، موارد اعتراض شاکی یا مقامات مقرر در ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک قرار گیرد .

نشست قضایی دادگستری استان آذربایجان غربی نیز در سال ۱۳۸۰ در پاسخ به نشست دادگستری استان آذربایجان غربی نیز در سال ۱۳۸۰ در پاسخ به این سوال که آیا دادگاههای تجدید نظر می تواند مجازات معین در حکم بدوی را تخفیف دهند، نظر کمیسیون بر این بوده که: «هرچند اداره کل حقوقی قوه قضائیه به موجب ۳ فقره نظریه‌های شماره  $\frac{۷/۱۷۶۰}{۷۸/۱۰/۱۶}$  و  $\frac{۷/۱۳۹۲}{۷۹/۶/۳۰}$  و  $\frac{۷/۵۳۲۴}{۸۰/۶/۱۱}$  اظهار نظر نموده است که اگر حکم دادگاه بدوی مطابق قانون و دلایل

موجود در پرونده، صادر شده باشد دادگاه تجدید نظر نمی تواند اعمال تخفیف دهد. لکن به نظر اعضای کمیسیون چون در موارد شک و اجمال و ابهام قوانین کیفری، اصل و قاعده بر این است که قوانین بایستی به نفع متهم تفسیر شده تا حقوق متهم بیشتر و بهتر تامین شود و به لحاظ اینکه مستند مخالفین اعمال ماده ۲۲ ق.م.ا، در دادگاه تجدید نظر بند الف ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک است و حال آنکه این بند صرفاً ناظر به تایید آراء صائب مرحله بدوی است و اشعار و حکایتی بر عدم اختیار دادگاه تجدید نظر بر اعمال تخفیف در مقام رسیدگی تجدید نظر ندارد و همچنین مستفاد از مجموع مقررات بندهای ماده ۲۵۷ ق.م.ا مذکور که چگونگی رسیدگی دادگاه تجدید نظر را بیان می دارد، این است که دلیلی بر منع اعمال تخفیف دادگاه تجدید نظر وجود ندارد. نظر به این که برابر مقررات ماده ۲۵۳ ق.آ.د.ک ترتیبات هم اختیار اعمال ماده ۲۲ ق.م.ا است و نیز برابر منطوق ماده ۲۵۸ ق.آ.د.ک دادگاه تجدید نظر صرفاً از حیث تشدید مجازات تعزیری و بازدارنده محکوم علیه، ممنوع شده و مستنداً از مفهوم مخالف همان ماده این است که دادگاه تجدید نظر می تواند مجازات مقرر در حکم دادگاه بدوی را تخفیف دهد. با توجه به این



اجرای آن نمی تواند مورد رسیدگی و تجدید نظر قرار گیرد.»

طبق نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۶۳۱۸/۶۸/۱۲/۱۷

: «چنانچه دادگاه تجدید نظر وارد رسیدگی ماهوی شود، یعنی

حکم بدوی را فسخ و حکم جدید را انشاء کند، می تواند چنین

قراری صادر کند هر چند دادگاه بدوی آن را صادر نکرده باشد اما

اگر دادنامه را تأیید کند، حق صدور چنین قراری را ندارد.» در این

مورد طبق نظریه اکثریت قضات دادگستری استان تهران در سال

۱۳۷۹: طبق ماده ۲۷ ق.م.ا: قرار تعلیق اجرای مجازات، ضمن حکم

محکومیت صادر خواهد شد و جنبه الزامی هم ندارد. دادگاه تجدید

نظر، مرجع تأیید یا نقض (و در موارد مخصوص در قانون تصحیح

آراء) آراء بدوی است و طبق بند الف ماده ۲۵۷ ق.آ.ک اگر رای

بدوی مطابق قانون و دلایل موجود در پرونده باشد ضمن تأیید آن

، پرونده را به دادگاه صادرکننده رای اعاده می نماید. دادگاه تجدید

نظر آن را تأیید می نماید و در این صورت مجاز به صدور قرار

تعلیق اجرای مجازات نیست. و نظریه کمیسیون نیز چنین است: «با

عنایت به مفهوم ماده ۲۵۸ ق.آ.ک که دادگاه تجدیدنظر منحصراً از

حیث تشدید مجازات تعزیری منع گردیده است نه اقدام دیگر و

از آنجا که دادگاه تجدید نظر به عنوان دادگاه عالی برابر مصراحت

ق.آ.ک دارای کلیه اختیارات قانونی در رسیدگی ماهوی نقض و

تأیید صدور حکم برائت و یا قرار عدم صلاحیت و رد دعوا و نحو

آن در مورد جرایم داخل در صلاحیت خود می باشد و به لحاظ اینکه

اذن در لواز و لواحق آن هم محسوب می گردد و با عنایت به اینکه

این احتمال نیز وجود دارد که دادگاه بدوی در صدور قرار تعلیق

مجازات متهم، دچار غفلت و اشتباه شده باشد به نظر می رسد که

دادگاه تجدید نظر، چنانچه مورد از موارد تعلیق مجازات تشخیص

دهد می تواند با رعایت مقررات فصل سوم از باب دوم ق.م.ا،

اجرای تمام یا قسمتی از مجازات تعزیری موضوع حکم دادگاه

بدوی را معلق نماید به نظر ما با توجه به مدلول مواد ۲۵ و ۲۸ و ۳۳ و

صدور قرار تعلیق از خصائص دادگاهی است که در آغاز حکم به

محکومیت صادر می نماید که این دادگاه می تواند دادگاه بدوی یا

تجدید نظر باشد. با این توضیح دادگاه تجدید نظر تنها در صورتی که

رای برائت دادگاه بدوی را نقض کند و حکم محکومیت صادر نماید

، می تواند قرار تعلیق اجرای حکم محکومیت را بدهد و گرنه در

صورتی که دادگاه بدوی حکم مبنی بر محکومیت متهم صادر کند و

بر اثر تجدید نظر خواهی پرونده در دادگاه تجدید نظر مطرح گردد،

دادگاه تجدید نظر نمی تواند قرار تعلیق مجازاتی را صادر کند که

دادگاه بدوی حکم داده است. نکته مهم آنست که طبق نظریه اکثریت

قضات استان قزوین در سال ۱۳۸۰: مستفاد از مواد ۳۳ و ۳۶ و ۳۷ ق.م.ا

نظر به این که لغو قرار تعلیق یک تصمیم اداری، توسط دادگاه صادر

کننده تعلیق مجاز است در جهت اجرای حکم صادره قطعی است نه

یک رای جدید، بنابراین دستور لغو قرار تعلیق، بنا به جهات آمده

در موارد مذکور، قابل اعتراض و تجدید نظر نیست و با عدم قابلیت

تجدید نظر خواهی اعمال ماده ۲۲ ق.م.ا در محاکم تجدید نظر در

موضوع معنون، موقعیت قانونی ندارد.» و طبق نظریه کمیسیون: نظر

به اینکه به صراحت ماده ۲۷ ق.م.ا قرار تعلیق مجازات ضمن حکم

محکومیت متهم صادر می شود و اینکه الغای قرار تعلیق مجازات،

لغو قسمتی از رای صادر شده محسوب و یک تصمیم قضایی تلقی

می شود، چه آنکه با الغای قرار تعلیق مجازات، متهمی که مجازات

تعلیقی داشته، زندانی خواهد شد و در واقع از حق استفاده از یک

که در سیستم قضایی جمهوری اسلامی ایران با تصویب قوانین

آ.ک و مدنی، بر تقدیر رسیدگی ماهیتی در دو مرحله رسیدگی

بدوی و تجدید نظر پذیرفته شده است، دادگاه تجدید نظر که یک

دادگاه عالی است مجاز به رسیدگی ماهوی در جرایم داخل در

صلاحیت خود می باشد و مواد ۲۲ و ۲۸ ق.م.ا هم به نحو اطلاق به

دادگاه اجازه داده است که در صورت احراز جهات محففه، مجازات

تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازاتی از نوع

دیگر که مناسبتر به حال متهم باشد.»

نشست قضایی استان کرمان نیز بیان داشته که: «چنانچه، محکوم

علیه به کل و اساس رای صادر شده اعتراض داشته باشد و یا اینکه

بعلت و جهات عامی غیر از علل و جهات محففه مذکور در رای

محکومیت مورد اعتراض، درخواست ارفاق نموده باشد دادگاه

تجدید نظر، مجاز به اعمال تخفیف برابر مقررات مواد ۲۲ و ۲۸

ق.م.ا خواهد بود.»

به طور کلی مستفاد و مستنبط از مواد ۷۵ و ۷۶ ق.آ.ک و ۲۲ و ۲۸ ق.م.ا

و مفهوم مخالف مواد ۲۵۳ و ۲۵۸ ق.آ.ک دادگاه تجدید نظر می

تواند در مقام رسیدگی تجدید نظر برابر ماده ۲۲ ق.م.ا اعمال تخفیف

نماید.

حال سوالی مطرح می شود و آن این است که آیا شاکی خصوصی

یا مقام ذی ربط می تواند نسبت به تخفیف مجازات اعتراض کند

و تقاضای تشدید نماید؟ در پاسخ به این سوال، نشست قضایی

استان فارس چنین نظر داده است: «با اعتراض شاکی در مهلت

تجدید نظر خواهی، در مواردی که مجازات تعیین شده در حکم

بدوی، برابر مقررات قانونی صادر شده باشد در این صورت دادگاه

تجدید نظر می تواند با پذیرش اعتراض شاکی مجازات تعیین شده

در حکم مرحله بدوی را تا میزان حداقل قانونی جرم انتسابی تشدید

نماید.»<sup>۱۱</sup>

اشخاص مذکور در ماده ۲۳۵ ق.آ.ک هم بعد از انقضای موعد

تجدید نظر خواهی و با رعایت سایر ترتیبات مقرر در آن ماده می

توانند به شرح فوق درخواست تجدید رسیدگی و تشدید مجازات

نمایند.»<sup>۱۲</sup>

آخرین نکته ای که باید در این فصل توضیح داده شود این است

که تخفیف رای یا تبدیل آن از سوی دیوان عالی کشور صورت

نمی گیرد و این اقدام وجاهت قانونی ندارد.»<sup>۱۳</sup>

## ۲- اختیار دادگاه تجدید نظر در تعلیق اجرای مجازات

ابتدائاً باید دانست که تعلیق مجازات حقی برای محکوم محسوب

نمی شود بلکه اعطاء آن در اختیار دادگاه است. حتی در مواردی که

شرایط لازم و کافی موجود باشد تعلیق مجازات موکول به تصمیم

قاضی است که پس از رسیدگی کامل نسبت بدان اظهار نظر خواهد

نمود.<sup>۱۴</sup> در این خصوص می توان رویه قضایی از جمله به حکم

شماره ۵۶۳/۱۲۶۴ شعبه دیوان عالی کشور اشاره نمود که: «اعمال

تعلیق اجرای کیفر حق محکوم علیه نمی باشد و این امر از اختیارات

دادگاه است و قاضی تکلیفی به تعلیق مجازات ندارد. بنابراین عدم

۱۱- مجموعه نشستهای قضایی (مسائل آئین دادرسی کیفری ۳) معاونت آموزش قوه قضاییه

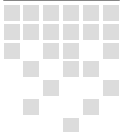
ص ۲۵ - ۱۳۸۲

۱۲- سید مهدی حجتی - قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی ص ۱۱۵ نشر میناق

عدالت - ۱۳۸۴

۱۳- مال میر، دکتر محمود- حقوق جزای عمومی ۳ - ص ۸۴ نشر نقش مانا - ۱۳۸۴

۱۴- باهری، دکتر محمد- حقوق جزای عمومی ص ۴۵۷ نشر حقوقدان. ۱۳۷۵



مرحله رسیدگی محروم می‌گردد و از باب اینکه قوانین کیفری، همیشه تفسیر قانون، بایستی به نفع متهم باشد و دادگاه تجدید نظر در حدود صلاحیت خود به عنوان مرجع تجدید نظر و یک دادگاه عالی، حق نظارت بر اجرای قوانین توسط محاکم دانی حوزه عمل خود را دارد، لذا مستفاد از مواد ۲۵۷ و ۲۵۸ ق.آ.ک. به نظر می‌رسد که دادگاه تجدید نظر می‌تواند به اعتراض معترض در رابطه با الغاء قرار تعلیق مجازات موضوع مواد ۳۳ به بعد ق.م.ا رسیدگی نماید.» البته لازم به ذکر است که دادگاه تجدید نظر پس از قبول درخواست تجدید نظر به مستفاد از مفهوم ماده ۲۵۸ ق.آ.ک. می‌تواند مقررات ماده ۲۲ ق.م.ا را درباره معترض به الغاء قرار تعلیق مجازات، اعمال نماید.<sup>۱۵</sup>

به نظر ما دادگاه نمی‌تواند قرار تعلیق مجازات صادره از سوی دادگاه بدوی، را لغو نماید هر چند اشتباه صادر شده باشد چون لغو قرار تعلیق صادره از سوی دادگاه بدوی تشدید مجازات به حساب می‌آید که مخالف تبصره ۲ بند ۴ ماده ۲۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و ماده ۲۵۸ ق.آ.ک. می‌باشد.

البته باید توجه داشت که ریاست محترم قوه قضائیه در سال ۱۳۸۰ بخشنامه ای برای تمامی قضات دادگاه‌های عمومی و انقلاب و نظامی و تجدید نظر صادر کرده است که متن آن به شرح ذیل است: بخشنامه ۱/۸۰/۴۷ رئیس قوه قضائیه: «از جمله تأسیسات حقوقی موثر در اصلاح اخلاقی مجرمان اتفاقی و بازدارنده بزهکاران از تکرار جرم تعلیق اجرای مجازات می‌باشد که مقررات آن به شرح فصل سوم ق.م.ا پیش بینی شده است. گزارشهای رسیده حاکی از آن است که دادگاه‌های رسیدگی کننده به جرایم تعزیری و بازدارنده در عمل کمتر به این مقررات توجه می‌کنند و حال آنکه استفاده صحیح و به جا از این نهاد کیفری، می‌تواند تا حدود زیادی از آثار سوء زندان و تحمیل بار مالی بر بودجه جهت تامین مخارج زندانیان بکاهد و موحیات اصلاح مجرم و بازگشت او به زندگی عادی و تقلیل آمار جرایم تکراری را در پی داشته باشد. از اینرو قضات محترم رسیدگی کننده به امور کیفری توصیه می‌گردد در جریان دادرسیها یا فراهم دیدن شرایط اعمال تعلیق کیفر و مناسب نبودن اجرای تمام یا قسمتی از مجازات در محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده با استفاده از اختیارات قانون مذکور طی همان حکم محکومیت و برای مدتی که قانون مجازات اعلام کرده است کیفر را معلق و دستورات لازم صادر نماید و محکوم را از عواقب قضی حکم تعلیق در مدت مزبور آگاه سازند.»

در پایان طبق رای تمیزی شماره ۱۲۲۴/۲۷۱ دیوان کشور: ۱۱/۸/۱۷ «محکمه استیناف به هر تقدیر اعم از موارد تأیید حکم محکمه جنجه یا فسخ آن و اصدار حکم جدید حق تعلیق اجرای مجازات را نسبت به اموری که قانون اجازه داده است، دارد.»

### نتیجه گیری

به طور خلاصه و در نتیجه گیری می‌توان عنوان کرد که بحث کیفیات مخففه و استفاده از آن دقیق و ظریف است و در اصلاح و درمان بزهکاران نقش چشم گیری دارد. با محدودیتی که در قوانین جزایی فعلی ایران برای اعمال این کیفیات وجود دارد، قاضی باید خود در حد امکان و توان با برخورداری دقیق و صحیح و با توجه به شخصیت مجرم و اوضاع و احوال و مختصات جرم از این کیفیات

۱۵- مجموعه نشست‌های قضایی (مسائل آئین دادرسی کیفری ۳) - معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه ص ۳۷.

در حد مطلوب و به خصوص در مورد افرادی که جرایم انتسابی به ایشان وجدان عمومی را نمی‌آزارد، بلکه گاه این وجدان در جهت حمایت از این افراد است استفاده کند. هر چند در مواردی نیز قاضی در زمینه اعمال تخفیف مجازات فاقد اختیار است، به نظر می‌رسد قانون گذار باید با توجه به حدود اختیارات خود ملاحظه قانونی راه حل‌های مناسبی را پیش بینی کند. افراد بشر گوناگونند و بر خورد با آنها نیز باید به نحوی باشد که آنها را به عدالت معتقد کند. از طرفی تجربه‌ها نشان داده که شدت و صعوبت، گرهی از مشکلات نمی‌گشاید که ساده است فریاد کردن، خشونت ورزیدن، عتاب و خطاب کردن و احکام سخت و شدید دادن و دل خوش کردن به نامی که از صدور احکام سخت، قاضی را به شهرت می‌رساند. اما مشکل است با دلستن به عاطفه‌ها و تن دادن به مهربانی‌ها کوشش در جهت راهنمایی و کمک به آنانی که به دلایلی در تارهای جرم دست و پا می‌زنند و از شرایطی برخوردارند که خشونت تنها موجب ناامیدی و تجری آنها می‌شود و نه اصلاح و تربیت ایشان برای آبیاری ساقه‌های عذوبت ابتدا باید خوشه‌های خشم را برید.

### منابع

- ۱- اردبیلی، دکتر محمد علی- حقوق جزایی عمومی جلد دوم - نشر میزان - ۱۳۸۱
- ۲- امین پور، محمد - قانون کیفر همگانی.
- ۳- باهری، دکتر محمد - حقوق جزای عمومی - نشر حقوقدان-۱۳۷۵
- ۴- پیرنیا، حسن - ایران باستان - کتاب ششم.
- ۵- حجتی، سید مهدی - قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی - نشر ميثاق عدالت - ۱۳۸۵
- ۶- زراعت، دکتر عباس - شرح قانون مجازات اسلامی (بخش کلیات) نشر ققنوس ۱۳۷۹
- ۷- اصول آئین دادرسی کیفری - نشر مجمع علمی فرهنگی مجد-۱۳۸۲
- ۸- شهری، غلامرضا و محمد خزانی - مجموعه نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه نشر روزنامه رسمی .
- ۹- مالمیر، دکتر محمود- حقوق جزای عمومی ۳ - نشر نقش مانا -۱۳۸۴
- ۱۰- نور بها، دکتر رضا -نگاهی به قانون مجازات اسلامی، نشر میزان - ۱۳۸۳
- ۱۱- واحمدی نوایی، آوا - نظام جزایی ایران در عهد باستان - نشر میزان - ۱۳۸۰
- ۱۲- مجموعه نشست‌های قضایی (مسائل آئین دادرسی کیفری ۳) معاونت آموزش قوه قضائیه ۱۳۸۲
- ۱۳- قانون مجازات اسلامی .
- ۱۴- قانون آئین دادرسی کیفری .

